

حریم عمومی و خصوصی شهروندان، با تأکید بر فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)

فاطمه خادم شیرازی^۱

چکیده

امام خمینی "ره" در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضائیه و دیگر ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر نمودند، به عدم دخالت در حوزه خصوصی و امنیت شهروندان و آزادی‌های شخصی و فردی آن‌ها به ویژه امنیت قضایی اشاره نمودند که گویای دیدگاه و اندیشه ایشان در مناسبات بین امنیت و آزادی به عنوان دو رکن اساسی تشکیل دهنده دو حوزه عمومی و خصوصی است.

ایشان خطاب به دولتمردان و قوه قضائیه، عضویت شهروندی را در محدوده حاکمیت ملی دانسته و با تأکید بر حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، خواهان امنیت در حوزه خصوصی افراد به دلیل لزوم اسلامی نمودن احکام طاغوتی شدند. ایشان درباره حقوق مردم در حوزه خصوصی که به خود شهروندان بستگی دارد، نقش دولت را صرفاً تأمین امنیت و عدم مداخله در این حوزه‌ها دانسته و حوزه‌های خصوصی را همان عرصه آزادی فردی دانستند که باید از سوی دولت محافظت شود. ایشان اهمیت این بُعد از امنیت را به گونه‌ای دانستند که آن را ناظر به امنیت ملی و نظامی می‌دانند و تأمین این امنیت و برخورداری از آزادی را منوط به تحقق عدالت می‌دانند. امنیت مد نظر ایشان، باید علاوه بر ابعاد روانی و فیزیکی، به صورت شخصی در حوزه خصوصی و به صورت عمومی، اجتماعی و ملی برای رسیدن به تحقق حقوق شهروندی اجرا گردد. لذا در این مقاله به دلیل داشتن بار ایدئولوژیکی سعی شده که به تدوین چارچوب ادراکی حضرت امام "ره" با تأکید بر طرح هشت ماده‌ای در قالب گفتمان انتقادی فرکلاف پرداخته شود.

واژگان کلیدی: گفتمان، امنیت، شهروند، حریم خصوصی، حریم عمومی، فرمان هشت ماده‌ای، امام خمینی (ره)

مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و رأی مثبت مردم، حکومت جمهوری اسلامی بر اساس احقاق حقوق ملت در تمامی ابعاد آن انتخاب شد. حقوق شهروندی نیز، به عنوان یکی از ارکان مهم این حقوق، از همان ابتدا، در قالب شعارها، آموزه‌ها، و جهت‌گیری‌های نهضت، خود را نشان داد. اما حقوق شهروندی به این مسئله محدود نشد، بلکه نگاه ویژه حضرت امام "ره" در سال ۶۱ در قالب طرح ۸ ماده‌ای به حقوق شهروندی، نشان دهنده رویکردی جدید و تاریخ‌ساز بود. این سند مهم حقوق شهروندی، خط مشی کارگزاران نظام را در مقابل مردم که قدرت‌شان ناشی از ملت است کاملاً مشخص می‌نماید و نشان می‌دهد که شهروند بر خلاف رعیت از حقوق و تکالیف متقابل با دولت برخوردار است. صیانت از حقوق مردم و بی‌طرفی مسئولان در مناصب مختلف، به ویژه مناصب قضایی، تدوین قوانین برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق مردم، تعمیم رعایت اجرای عدالت به همه نهادها و ارگان‌ها، مراعات اخلاق اسلامی در ارتباط با مردم، قانون‌گرایی صریح و تخطی نکردن از آن، احترام به مالکیت خصوصی شهروندان و رعایت حریم‌های خصوصی مردم و شهروندان، و تلاش برای ایجاد احساس آرامش و امنیت در میان مردم از اصول مهم این سند است. لذا ایشان در این سند توجه اصلی لزوم حاکمیت دولت را تأمین حقوق شهروندان می‌داند.

و از آن جایی که امنیت تحت تأثیر عوامل متعدد در درجه‌های متفاوت قرار دارد، بایستی امنیت را در متن‌های مختلف بررسی کرد؛ یعنی باید بتوان تعامل‌های میان متن و بیرون متن را پوشش داد. با توجه به داشتن بار ایدئولوژیکی متن تاریخی ۸ ماده‌ای که باید شناسایی، رمزگشایی و به مردم معرفی شود، در این مقاله، از طریق تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین این متن پرداخته شده است.

گفتمان

گفتمان عبارت است از چگونگی تولید و سامان گرفتن یک متن - چه کتبی و چه شفاهی - از جانب تولید کننده و فرآیند درک آن از جانب مخاطب. گفتمان را نباید با متن اشتباه گرفت. گفتمان مجموعه عناصر، لوازم و شرایطی است که چنانچه گرد هم آیند متن را به وجود می‌آورند. بنابراین، متن، حاصل و نتیجه گفتمان است (صلح جو، ۱۳۷۷، ۷-۸). گفتمان امروزه بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می‌ماند. گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره‌اش فکر شود، بلکه درباره این نیز هست که چه کسی، در چه زمانی و با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان‌ها مجسم کننده معنا و ارتباط اجتماعی است؛ شکل دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی-سیاسی (قدرت) است. (بهرامپور، ۱۳۷۹، ۲)

«در گفتمان به معنای روش، ما با یک شیوه نوین تحلیل در علوم اجتماعی و سیاسی مواجهیم که درصدد بازگو کردن و نشان دادن معانی نهفته و پنهان متن و زمینه متن است» (بهرامپور، ۲۲، ۱۳۷۸).

امنیت

امنیت عبارت است از حفاظت در برابر خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های مشخص). (بوزان، ۱۳۷۸، ۵۲)

امنیت، مصونیت از تهدید، تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است و در مورد افراد به این معناست که هراس و بیمی نسبت به بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند، حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را بدون دلیل قانونی و موجه تهدید ننماید (امیدوار، ۱۳۷۹، ۷۸-۷۹). امنیت، آزادی از عدم امنیت و آزادی نسبی از تهدیدات آسیب رساننده است. (تاجیک، ۱۳۸۰، ۴۳)

شهروند

شهروند فردی است در رابطه با یک دولت، که از سویی برخوردار از حقوق "شهروند سیاسی و مدنی" است، و از سوی دیگر، در برابر دولت تکلیف‌هایی به عهده دارد و عضو یک اجتماع سیاسی می‌باشد که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است و نیز شهروند به فردی اطلاق می‌گردد که از حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد. شهروندسازی مستلزم حق تعیین سرنوشت توسط افراد جامعه است، چنان‌که افراد جامعه حقی در تعیین سرنوشت و آینده خود نداشته باشند، شهروند محسوب نمی‌شوند (مقدم‌فر، ۴، ۱۳۸۷).

حوزه خصوصی

مراد از حقوق و حوزه خصوصی، حقوقی است که به خود شهروندان بستگی دارد و دولت هیچ نقشی در این حقوق ندارد. در واقع به حقوقی که فرد به اعتبار فرد و شهروندی از آن برخوردار است حوزه و حقوق خصوصی گفته می‌شود مانند: حق حیات، حق مالکیت، حق ازدواج، حق داد و ستد و غیره. دولت در این‌گونه موارد صرفاً باید به تأمین امنیت اقدام نماید و مجاز به مداخله در این حوزه‌ها نیست. این حوزه، حوزه آزادی‌های افراد است و می‌بایست از سوی دولت محافظت شود. (لک زایی، ۱۳۸۶، ۴)

هانا آرنه معتقد است حوزه خصوصی، حوزه تلاش معاش و محل پنهان ماندن برخی علایق مثل عشق و به طور کلی رشد و نمو فعالیت‌های غیر سیاسی بشر است. (انصاری، ۱۳۷۹، ۷۷)

به طور کلی حق شخص بر حریم خصوصی را می‌توان به عنوان فضای خصوصی فردی درک کرد که در آن، فرد دارای کنترل مطلق بوده و دسترسی دیگران به آن فقط با اجازه فرد مورد نظر بحث میسر است.

حوزه عمومی

حوزه عمومی با قرارداد اجتماعی به وجود می‌آید. این حریم با گذر از حوزه خصوصی پدیدار می‌شود و به نحوی عمومی شده است. بخش‌هایی از حریم خصوصی به مثابه قرارداد اجتماعی است، پیدایش حوزه عمومی موجب تفکیک این حوزه با حوزه خصوصی شده است. (هابرماس، ۱۳۷۸، ۲۹)

حوزه عمومی حوزه‌ای است که هر شخص می‌تواند در آنجا وارد شود و در آنجا اصل "عدم توجه" حاکم است، به این معنی که افراد در این حوزه وارد می‌شوند و امور خود را دنبال می‌کنند، بدون این که توجهی به دیگران داشته باشند و حضور آن‌ها در آن حوزه به خودی خود مزاحمتی برای دیگران نیست.

تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان از جمله روش‌های تحلیلی کیفی است. برای بررسی متن نوشتاری یا گفتاری باید فراتر از خود متن رفت و به بافت یا زمینه متن هم پرداخت.

این به معنای آن است که متن از یک سو بر اساس روابط درون متنی و از سوی دیگر با تکیه بر موقعیت متن و بافت‌های اجتماعی، سیاسی و تاریخی بررسی می‌شود. به این ترتیب، فرآیندهای تولید و شناخت متن و اثرات متقابل زبانی، اجتماعی و فرهنگی در سه سطح متفاوت این تحلیل مد نظر است.

در این مقاله آنچه از واژه گفتمان مراد است متن زبان سخن و... به منزله رویدادی ارتباطی است. به این معنا که صورت زبانی را بخشی از شبکه پیچیده اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌دانیم و معنای کلام را علاوه بر صور زبانی و مضامین در موقعیت و کارکردی که در این شبکه پیچیده به عهده می‌گیرد مورد ملاحظه قرار می‌دهیم (مک دانل، ۱۳۸۰، ۱۰). کاربرد تحلیل گفتمان، اختصاص به حوزه خاصی ندارد و بر این فرض بنیاد شده است که ساخت کلیه متون در هر بافتی محصول ایدئولوژی حاکم بر نهادهای اجتماعی است؛ یعنی متون دارای ساخت ایدئولوژیکی هستند (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۳۷-۱۳۸). این پژوهش در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی (فرکلاف) انجام شده است؛ زیرا رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از لحاظ نظری رویکردی فرهنگی به جامعه‌شناختی است. چرا که از نظر او آن چه فضای خالی بین متن و جامعه را پُر می‌کند فرهنگ است. برای پی بردن به لزوم این نوع تحلیل، ابتدا باید به بیان نحوه کارکرد ایدئولوژی در گفتمان، نظری بیندازیم. در تعریفی بی‌طرفانه و خنثی که ون‌دایک (۲۰۰۲) از ایدئولوژی ارائه می‌دهد، ایدئولوژی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. در واقع ون‌دایک (۲۰۰۲) تعریفی بی‌طرفانه و خنثی از ایدئولوژی ارائه می‌کند که می‌تواند مثبت یا منفی باشد: ایدئولوژی در حالت منفی ساز و کار مشروعیت‌بخشی به سلطه محسوب می‌شود و در حالت مثبت برای مشروعیت‌بخشی به مقاومت در برابر سلطه و نابرابری‌های اجتماعی به کار می‌رود (Van Dijk, 2002: 113). «برای هر گونه تحلیلی، در چارچوب نظریه فرکلاف، دو جنبه را باید مد نظر قرار داد. رویداد ارتباطی و نظم گفتمان یک رویداد ارتباطی نمونه‌ای از کاربرد زبان است» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۶۲).

به طور کلی می‌توان گفت کلیه رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی در اصول ذیل مشترک است.

- روابط قدرت و سلطه، عملی گفتمانی است.
- تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی مشکلات اجتماعی می‌پردازد.
- گفتمان نقش ایدئولوژیک دارد، و ایدئولوژی نیز گفتمان را شکل می‌بخشد.
- فرهنگ و جامعه به وسیله گفتمان ساخته می‌شود.
- تحلیل گفتمان امری تفسیری و تبیینی است.
- تحلیل گفتمان انتقادی نوعی تحلیل ایدئولوژیکی از متون است.

- کاربرد خنثای زبان وجود ندارد. کلیه متون دارای انگیزه و بار ایدئولوژیکی هستند. (سلطانی، ۱۳۸۴،

(۵۱)

روش تحلیل گفتمان فرکلاف از سه سطح تشکیل می‌شود:

- ۱- **سطح توصیف:** که متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی خاص موجود در گفتمان توصیف می‌شود.
- ۲- **سطح تفسیر و توضیح:** که روابط موجود در بین فرآیندهایی که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می‌شود و تأثیر انتخاب‌هایی که در پیکره گفتمان اعمال می‌شود (از لحاظ واژگان، ساخت و...) مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- ۳- **سطح تبیین:** به توضیح و چرایی رابطه بین عناصر گفتمانی و اجتماع می‌پردازد؛ یعنی به توضیح تأثیر گفتمان خاص در چارچوب عمل اجتماعی و با توجه به پیشینه فرهنگی آن گفتمان، دلایل انتخاب و به کارگیری واژگان خاص در متن می‌پردازد. (خانیکی، ۱۳۸۷، ۲۶۰-۲۶۷)

تحلیل گفتمان متن پیام ۸ ماده‌ای حضرت امام (ره)

در این متن، نگاه مدیریتی حضرت امام (ره) از بالا به پایین کاملاً مشهود است. متن بر اساس گفتارهای مبتنی بر ارزش‌هایی همچون حکم امور شرعیه، امنیت، حیثیت و آبروی مردم بنا شده است. اما رویکرد متن برای کمک به این ارزش‌ها، ولایت‌مداری و از بالاست و زبان آن، حکم شرعی و در پی استقرار ارزش‌های حقوق شهروندی است. ایشان در این متن با صراحت و شفافیت به بیان نظرات خود در برابر حقوق شهروندی می‌پردازند. به عبارتی دیگر، موضع خود را نسبت به حقوق مردم مشخص می‌کنند. این متن از آن رو که یکی از مهم‌ترین سندهای تاریخی و فکری بعد از انقلاب و پیرامون حقوق خصوصی شهروندان است به لحاظ محتوایی و ساختاری، اهمیت تحلیل گفتمانی دارد.

توصیف ساختاری و تبیین متن

اول: توصیف مضامین و ساختارهای موجود در متن پیام تاریخی را می‌توان به ۸ حلقه یا اپیزود معنایی تقسیم کرد:

۱- صیانت از حقوق مردم به عنوان وظیفه اصلی انقلاب

از منظر درون گفتاری این بخش مبنی بر این نظریه است که در درجه اول، قوه قضاییه در مقام قضا باید اقتدار لازم داشته باشد و بیانگر تفکیک قواست. دوم آن که قوه قضاییه از جهت حقوقی و عامل قدرت برقراری حریم خصوصی شهروندان نقش مهم‌تری را ایفا می‌کند. سوم این که حفظ اصل و کرامت انسانی وظیفه اصلی مسئولین نظام است.

۲- بی‌طرفی مسئولان امر در مناصب مختلف به ویژه قضایی

ایشان با یادآوری مناصب مختلف قوه قضاییه و "نقش معنوی و اخلاقی" قضات که از ارزش و اهمیت بسیار کلی و عمومی برخوردار است تأکید کرده و همچنین به لحاظ اخلاقی آن‌ها را ملزم ساخته با استقلال و قدرت و بدون ملاحظه از هیچ مقامی به صدور احکام اسلامی بپردازند.

۳- تدوین قوانین برای جلوگیری از پیمانال شدن حقوق مردم

حضرت امام (ره) در این متن ابتدا به دغدغه‌های اصلی حقوق شهروندی و طراحان تهیه شرعیه مبنی بر قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است اشاره می‌کنند و آن را کاملاً محق می‌دانند، اما بلافاصله عنوان می‌کنند که باید کار قوه قضاییه به تأخیر یا تعطیلی نکشد. و بعد قدمی فراتر نهاده و می‌فرماید به این دلیل که حقوق مردم ضایع نشود. و صریحاً اعلام می‌کنند که ابلاغ و اجرای آن در رأس مسائل دیگر قرار گیرد.

۴- تعمیم رعایت اجرای عدالت به همه نهادها و ارگان‌ها

ایشان هر نوع دگرگونی حقوق قضایی مردم را منوط به جهت‌داری آن به سوی عدالت می‌دانند. زیرا تأمین امنیت و برخورداری از آزادی از طریق تحقق عدالت میسر است. چه بسا در بسیاری از موارد تأمین عدالت منوط به وجود امنیت در جامعه است و این هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. حضرت امام (ره) آرامش قضایی در پرتو عدالت اسلامی در سطح ملی با ایجاد امنیت فردی و عدم تفتیش منازل مردم را از حقوق مسلم شهروندی دانسته، افراط و تفریط را محکوم کرده و آن را مانع اجرای عدالت می‌دانند. امنیت مورد نظر ایشان هم ناظر به بُعد روانی امنیت است و هم بُعد فیزیکی آن را شامل می‌شود. باید بر فهرست بالا افزود که ایشان به همه ابعاد امنیت افراد اعم از امنیت شخصی (حفظ آبرو و حیثیت افراد و سلامت جسم آنان و در کل امنیت در حوزه خصوصی)، امنیت عمومی (فعالیت منظم و دقیق مأموران انتظامی و...)، امنیت اجتماعی (مصنویت افراد جامعه از تهدیدات مأموران دولتی و قضایی) و امنیت ملی (دفاع از تمامیت ارضی کشور) توجه داشته است و آن را مقدمه‌ای بر دستیابی افراد به حقوق خویش و تحقق عدالت و آزادی در جامعه می‌داند و ضامن اجرایی آن را فقط قوه قضاییه نمی‌دانند بلکه تمام نهادها و ارگان‌ها موظف به اجرای آن می‌باشند.

۵- مراعات اخلاق اسلامی در ارتباط با مردم

ایشان با توجه به گوهر حیثیت انسانی، به مسئولین نظام به طور جدی اعلام می‌کنند که احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد و هر گونه توقیف یا احضار باید با حکم قاضی و از روی موازین شرعیه بدون اعمال هر گونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت (به عنوان حقوق مسلم شهروندی) باشد.

۶- قانون‌گرایی صریح و تخطی نکردن از آن

در این حلقه معنایی حضرت امام (ره) ضمن اشاره به تهیه و تصویب قوانین شرعیه، قانون‌گرایی صریح و تخطی نکردن از آن را راه‌حل احقاق حقوق شهروندی می‌دانند. تقویت تفکر قانون‌گرایی، جامعه را به سوی عدالت سوق می‌دهد. ایشان الزام به قانون الهی و احکام شرعی را واجب دانسته اما معتقدند که باید حد ننگه

داشته شود و از حد خارج نشویم. امام به اعتبار جمهوریت و به اعتبار اسلامیت معتقدند که نظام باید "قانون‌مدار" باشد. بنای الگوی حکومت اسلامی بر مدار قانون دایر است و توجه بیش‌تر به مردم برای تحقق حقوق شهروندی است.

۷- احترام به مالکیت خصوصی شهروندان و رعایت حریم خصوصی آنان

این متن نگاهی به مالکیت خصوصی و رعایت حریم خصوصی شهروندان دارد. جامعه اسلامی را تمامیت‌خواه نمی‌داند و شهروندان و حریم خصوصی و شخصی افراد جایگاه خاص و از حرمت برخوردار است. در نتیجه حضرت امام (ره) با بیان این که هیچ کس بدون اذن شرعی در جزئی‌ترین مسئله مربوط به حیات خصوصی افراد حق دخالت ندارد، حریم خصوصی را از عمومی جدا کرده و آن را از قدرت‌زدگی و سیاست‌زدگی دور کردند. این امنیت مبنی بر نفی هر نوع تجسس و تعقیب بدون ادله می‌باشد. گرچه استثناء را در مورد خانه‌های تیمی و مفسدین یادآوری کردند لکن بیش‌تر پیام ایشان پیرامون قاعده است نه استثناء.

۸- تلاش برای ایجاد احساس آرامش و امنیت در میان مردم

در این حلقه معنایی، امام (ره) در یک فرآیند تکاملی، رسیدن به آرامش و امنیت را توصیف می‌کنند. مرحله اول این تکامل "تهیه قوانین شرعیه" است که به تدریج جای خود را به تحقق عدالت می‌دهد و این باعث می‌شود که "روح قانون‌گرایی" و "امنیت و آرامش" به مردم داده شود و پویایی مولد حفظ حریم خصوصی، مجریان عادل، کلیه قوای سه‌گانه و مردم است که باعث تغییر تدریجی ساختارها و رفتارهایی که در آن افراط و تفریط و سیاست‌زدگی است می‌شود.

دوم- نظم واژگانی

واژگان ارزشی به کار رفته در این متن به قرار زیر است:

قوانین شرعیه (۳)، حکم و امور شرعیه (۸)، قوه قضاییه (۴)، قضات (۳)، مقامات قضایی (۳)، دادستان‌ها (۲)، امنیت (۳)، حیثیت و آبرو و مال مردم (۲)، مردم، ملت (۵)، دولت (۳)، حقوق مردم (۳)، عدل (۲)، جرم و مجرم (۶)، دخل و تصرف (۱). با تقسیم‌بندی موضوعی واژگان ارزشی موجود در متن، می‌توان به تحلیل نقش آن‌ها در ساختار متن پرداخت. در میان واژه‌های متن، حکم شرعیه و امور شرعیه با ۸ بار تکرار مستقیم در بالاترین سطح قرار دارد و جرم و مجرم با ۶ بار تکرار مستقیم، دومین کلمه پر تکرار متن است. مردم و ملت با ۵ بار تکرار مستقیم، سومین کلمه پر تکرار است. ملاحظه می‌شود که به لحاظ کمی، واژگان دال بر معانی ارزشی پیرامون واژه امور شرعیه، جرم و مجرم و مردم همراه هستند. بقیه واژگان را هم کم و بیش می‌توان حول و حوش این واژه کانونی جای داد. تکرار فراوان واژه‌های پیرامون مفاهیم محوری مردم، ملت و حقوق مردم و قوانین می‌تواند نشانه‌ای از توجه متن به این مفاهیم باشد. این متن در نسبت خود با دیگر گفتارهای زمینه، به موضع‌گیری‌های خاصی به نفع مردم می‌پردازد و به حقوق شهروندی نماد امنیت و عدالت می‌دهد. آنچه در این متن در خور ملاحظه و توجه است این است که از حریم خصوصی افراد در قالب دخل و تصرف، حیثیت و آبرو و مال مردم، و حقوق مردم اشاره به میان می‌آورد. از سوی دیگر این متن به لزوم

تحولات گفتاری در مقولات حقوق عمومی و خصوصی می‌پردازد و به حقوق خصوصی اهمیت و ارزش بالاتری می‌دهد.

سوم - تبیین متن و ممیزات آن

نخست- حضرت امام(ره) اسلامی نمودن ارگان‌های دولتی به ویژه دستگاه قضایی و جدا کردن احکام طاغوت از نظام را یک اصل دانسته و متصدیان امور را به صحنه ملی کشور فرا می‌خواند، از میان قوا، قوه قضاییه را خطاب قرار داده، کشور را نیازمند قوانین شرعیه و اجرای حقوق مردم دانسته و تهیه این قوانین با موقعیت زمانی را نقطه امیدی در جهت تغییرات مثبت در قوه قضاییه که مورد ابتلای عمومی است می‌داند.

دوم- در این متن به طور قابل توجهی به دوگانه بودن قوانین می‌پردازند. ایشان قوانین رژیم سابق را به صورت مستقیم رد کرده، به طرح و ایده تهیه قوانین شرعیه پرداخته و مقوله امنیت و حریم خصوصی مردم و توجه به آن را به عنوان یکی از عوامل مهم مد نظر قرار می‌دهند و با صراحت اشاره می‌کنند که مفاهیمی چون قوانین شرعیه، در چارچوب موازین شرعیه بازتعریف شود.

سوم- متن به طور کلی با به کارگیری قوانین شرعیه، حکم و امور شرعیه، و مردم، تعهد خود را به حقوق شهروندی اعلام می‌دارد. اما این اشاره و اتکا به مفهوم قوانین یا احکام شرعیه همراه با بازتعریف جدیدی از حریم خصوصی مردم است. ایشان در پشت این متن خواستار تجدید نظر و بازخوانی حقوق مردم در متن فعالیت گروهک‌ها و محاربین و جدا کردن شهروندان مؤمن از گروهک‌هاست.

چهارم- حضرت امام(ره) در این متن اشاره‌های فراوانی به قوه قضاییه، قضات، مقامات قضایی و دادستان‌ها دارند. می‌توان این مسئله را با چرخش گفتاری حقوقی از قوه قضاییه به حقوق شهروندان تغییر داد؛ به این معنا که گفتارهای مطرح شده درباره مباحث حقوق قضایی بیش‌تر در سطوح امنیت، حیثیت و آبرو و مال مردم بیان می‌شود.

پنجم- متن پیام از وجهی انگیزشی و اندیشه‌انگارانه در خصوص تغییر ماهیت گفتارهای رایج در تاریخ انقلاب که چهار سال گذشته بود برخوردار است و خود نقطه‌ی پر رنگی در حرکت از حاشیه به متن است. علاوه بر چرخش از قوه قضاییه به سمت قوای دیگر، در متن به صورت ضمنی، مردم را به حقوق شرعیه و حریم خصوصی در برابر متعرضان فرا می‌خواند و این نکته را می‌توان در فراوانی واژه‌های قوانین شرعیه، حکم و امور شرعیه، موازین شرعیه و مردم و ملت دید. همان‌طور که در نظم واژگانی مشهود است، مفهوم حکم و امور شرعیه با بسامد(۸)، یکی از گروه‌های واژگانی عمده متن را تشکیل می‌دهد. در متن، پیام از یک روایت ساختاری و ایدئولوژیک و بر پایه مناسبات اسلامی استوار است. ایشان یک چشم‌انداز تیره از نوع پایمال شدن حقوق و آبرو و مال مردم به دست می‌دهند و به حسب یک الگوی آرمانی، راهکارهای وصول به آن را تشریح می‌کنند. مضمون بنیادی نقد این مناسبات موجود، عدم تفهیم صحیح بخشی از سه قوه و عرضه راهکار برای وصول به جامعه‌ای با عدل اسلامی و امنیت و آرامش برای شهروندان است.

نتیجه‌گیری

پیام ۸ ماده‌ای امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۱ نخستین پیام حقوق شهروندی پس از انقلاب است که تأکید قاطع بر اصول قانون اساسی و حفظ حقوق شهروندی دارد. در آن زمان، کشور به دنبال استقرار نظام بود و بالطبع تلاش‌ها، همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را در بر می‌گرفت و گاه مسئولان در برخورد با مردم از عملکردهای افراطی و خلاف قانون در قلمرو خصوصی شهروندان استفاده می‌کردند. ایشان در واکنش به گزارش‌هایی که در این مورد می‌رسید طی فرمانی که به "فرمان ۸ ماده‌ای" مشهور شد، نکاتی را به قوه قضاییه و همه ارگان‌های اجرایی متذکر شدند. از آن جایی که متن فرمان بار ایدئولوژیکی داشت لازم بود که شناسایی و رمزگشایی شود تا چارچوب حقوقی آن روشن شود. این مقاله نیز در این راستا تدوین شده است. متن بر اساس گفتارهای مبتنی بر ارزش‌هایی همچون حکم امور شرعی، امنیت، حیثیت و آبروی مردم بنا شده است. اما رویکرد متن برای کمک به این ارزش‌ها، ولایت‌مداری و از بالاست و زبان آن، حکم شرعی و در پی استقرار ارزش‌های حقوق شهروندی است و این نشانگر نگاه مدیریتی حضرت امام (ره) "از بالا به پایین" است. ایشان در این متن با صراحت و شفافیت به بیان نظرات خود در برابر حقوق شهروندی می‌پردازند. به عبارتی دیگر موضع خود را نسبت به حقوق مردم مشخص می‌کنند. این متن از آن جایی که یکی از مهم‌ترین سندهای تاریخی و فکری بعد از انقلاب است و پیرامون حقوق خصوصی شهروندان است به لحاظ محتوایی و ساختاری اهمیت تحلیل گفتمانی دارد. لذا سعی کردیم از طرق تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف که از لحاظ نظری رویکردی فرهنگی به جامعه‌شناختی دارد و فضای خالی بین متن و جامعه را با فرهنگ پر می‌کند به بررسی سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین متن پردازیم.

در بخش توصیف ساختاری و تبیین متن به مواردی چون: صیانت از حقوق مردم به عنوان وظیفه اصلی انقلاب، بی‌طرفی مسئولان امر در مناصب مختلف به ویژه قضایی، تدوین قوانین برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق مردم، تعمیم رعایت اجرای عدالت به همه نهادها و ارگان‌ها، مراعات اخلاق اسلامی در ارتباط با مردم، قانون‌گرایی صریح و تخطی نکردن از آن، احترام به مالکیت خصوصی شهروندان و رعایت حریم خصوصی آنان، و تلاش برای ایجاد احساس آرامش و امنیت در میان مردم پرداخته شد.

در بخش نظم واژگانی به واژگان ارزشی چون قوانین شرعی (۳)، حکم و امور شرعی (۸)، قوه قضاییه (۴)، قضات (۳)، مقامات قضایی (۳)، دادستان‌ها (۲)، امنیت (۳)، حیثیت و آبرو و مال مردم (۲)، مردم، ملت (۵)، دولت (۳)، حقوق مردم (۳)، عدل (۲)، جرم و مجرم (۶)، دخل و تصرف (۱) و با تقسیم‌بندی موضوعی واژگان ارزشی موجود در متن، به تحلیل نقش آن‌ها در ساختار متن پرداخته شد.

همچنین در بخش تبیین متن و ممیزات آن دریافتیم که حضرت امام (ره) اسلامی نمودن ارگان‌های دولتی به ویژه دستگاه قضایی و جدا کردن احکام طاغوت از نظام را یک اصل می‌دانند. ایشان قوانین رژیم سابق را به صورت مستقیم رد کرده و به طرح و ایده تهیه قوانین شرعی می‌پردازند. امام در این متن با به کارگیری قوانین شرعی، حکم و امور شرعی، و مردم، تعهد خود را به حقوق شهروندی اعلام می‌دارند. اشاره‌های فراوان به قوه قضاییه، قضات، مقامات قضایی و دادستان‌ها، مسئله را با چرخش گفتاری حقوقی از قوه قضاییه به حقوق

شهروندان تغییر می‌دهند. ایشان مردم را به حقوق شرعیه و حریم خصوصی در برابر تعرض متعرضان فرا می‌خوانند و این نکته را می‌توان در فراوانی واژه‌های قوانین شرعیه، حکم و امور شرعیه، موازین شرعیه و مردم و ملت دید.

Archive of SID

منابع

- ۱) آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، انتشارات علمی فرهنگی
- ۲) امیدوار، احمد (۱۳۷۹)، امنیت، امنیت ملی، ابعاد نظری و راهبرد عملی، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا
- ۳) انصاری، منصور (۱۳۷۹)، هانا آرنت و نقد فلسفه سیاسی، تهران، نشر مرکز
- ۴) بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، مقدمه گردآورنده، کتاب "تحلیل انتقادی گفتمان" نورمن فرکلاف، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- ۵) بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۸)، "درآمدی بر تحلیل گفتمان" کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، به اهتمام: محمدرضا تاجیک، انتشارات فرهنگ گفتمان
- ۶) بوزان، باری (۱۳۷۸)؛ مردم، دولت، هراس؛ ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۷) تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر استراتژیک امنیت ملی ج.ا.ا، فرهنگ
- ۸) خانیکی، هادی (۱۳۸۷)، در جهان گفت‌وگو، بررسی تحولات گفتمانی در پایان قرن بیستم، انتشارات هرمس
- ۹) سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت گفتمان و زبان، تهران: نشر نی
- ۱۰) صلح‌جو، علی (۱۳۷۷)، گفتمان و ترجمه، تهران: نشر مرکز
- ۱۱) صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۱۲) فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، فاطمه شایسته، پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- ۱۳) لکزایی، شریف (۱۳۸۶)، امنیت شهروندی از نگاه امام خمینی
- ۱۴) مقدم‌فر، گلناز (۱۳۸۷)، نگاهی به مفهوم و حقوق شهروندی
- ۱۵) مک دانل، دایان (۱۳۸۰)، نظریه‌های گفتمان، حسین علی نوروزی، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ۱۶) مهریزی، مهدی؛ فصلنامه حکومت اسلامی شماره ۱۲، پیام ۸ ماده‌ای امام خمینی (ره) در ۲۴ آذر ۱۳۶۱
- ۱۷) هابرماس، یورگن (۱۳۷۸)، نقد حوزه عمومی، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی

18) Van Dijk T.(2002) "Principles of Critical Discourse Analysis" in Critical Discourse Analysis, (ed.) M. Toolan, London: Routledge,.